

روزنامه ی تورنتو استار 23 ماه می 2012 م

مترجم : پیکار پامیر

صدراعظم کانادا در برابر تقاضای (ناتو) نه گفت

روزنامه ی تورنتو استار، مقاله یی دارد به قلم " تم هارپر " تحلیلگر امور خارجی نشریه ی مذکور پیرامون موضعگیری اخیر " ستیفن هارپر " صدراعظم کانادا در قبال کنفرانس بین المللی شیکاگو و آینده ی افغانستان . چون این موضوع ، رابطه ی مستقیم با کشور عزیز ما دارد، بنابراین ، بهتر دانستم برگردان مقاله ی منتشره به زبان فارسی دری را تقدیم هم میهنان محترم نمایم:

" وقتی او { ستیفن هارپر } شش سال قبل به قدرت رسید، گمان نمیرفت موضع کشورش در قبال افغانستان را تغییر دهد. شاید. " هارپر " طی نخستین سفرش به افغانستان و دیدار با نیرو های ارتش کانادا در آن کشور، خطاب به سربازان گفته بود : " شاید کسی در میان شما باشد که بخواهد وظیفه را ترک داده و برگردد... اما ترک دادن و برگشتن، گزینش شما نیست، گزینش من هم نیست و انتخاب سایر کانادایی ها نیز نخواهد بود... وی برای پیشبرد این ماموریت استوار خواهد بود، حتا اگر تأثیر منفی در انتخابات هم داشته باشد."

اما، موقف " ستیفن هارپر " در کنفرانس شیکاگو و در قبال ماموریت کانادا در افغانستان چرخش منفی داشت. یعنی صدراعظم کانادا در برابر تقاضای ناتو مبنی بر ادامه ی آموزش سربازان افغانستان پس از سال 2014م، پاسخ منفی داد ، پاسخ منفی یی که بعد از ده سال ایستاده گی در آن کشور، صورت گرفت. این چرخش میرساند که حالا حرکت از یک قطب به قطب دیگر ادامه پیدا خواهد کرد. چنین چرخش موضع در عین حال، موجب سردرگمی سایر رهبران در قبال چالشهای افغانستان خواهد شد. "ستیفن هارپر" صدراعظمی است که ماموریت کانادا در افغانستان را در روز های نخست، از حزب لیبرال به ارث برد و حالا، ترک این ماموریت را در پناه ادعای وطنپرستی پنهان میکند. صدراعظمی که مانند یک شاگرد رشته ی تاریخ، اولاً پایداری اش در قبال افغانستان را به نمایش گذاشت ، ولی زود بی حوصله شده از فضای زهر آلود ناشی از طولانی شدن دخالت در امور آن کشور خسته شد... امسال، در جلسات ناتو، " هارپر " بمثابه ی یک تحلیلگر تبارز کرد. چنانکه اظهار داشت " به درازا کشانیدن مداخله ی خارجی ها در افغانستان، نتیجه ی موفقانه یی دربر نخواهد داشت."

وی در کنفرانس 2010 م سران ناتو منعقدہ ی (لزبن) اظهار داشت : " موفقیت مأموریت ناتو در افغانستان مربوط به اوضاع و شرایط است. به اعتقاد من، باید چهارچوب مساعد برای خروج نیرو ها ی خارجی از افغانستان مساعد ساخته شود. " این سخنان یک شخص ایدیالیست است که همه گونه شرایط مربوط به تحصیلات دختران و تساوی حقوق زنان را که ارجحیت داشت و به قیمت خون و پول گزاف از آن حمایت صورت می گرفت، فراموش میکند. یعنی حرکت دستجمعی که به منظور انجام ماموریت ادامه داشت، توسط " ستیفن هارپر " خدشه دار ساخته شد."

اجراآت لرزان و غیر آگاهانه ی کرزی ، حرکت بطی مینی بر تمرین دهی سربازان افغان و اقدامات مغشوش درجهت ایجاد یک حکومت مسوول در کابل، حیثیت مرگ برای کانادا را داشت. وی { هارپر} در سال 2009م طی گفت و گو با (سی. ان. ان) واضحاً گفت : " ما نمیتوانیم صرفاً از طریق باقیماندن در افغانستان به پیروزی برسیم و حتماً نخواهیم توانست شورشیان را مهارسازیم." و در سال 2007م اظهار داشت : " جنگ هیچگاه در اثر صدور ضرب الاجل به پایان نخواهد رسید. در این صورت ، دشمن مخفی شده و منتظر می ماند. این همان چیزی است که ما و سایر اعضای ناتودست به چنین کاری زدیم."

" و در آغاز سال 2010م مشتاق بود تصدیق نماید که خودش و سایر رهبران ناتو، از توقعات شان پیرامون حصول اهداف غایی بکاهدند. اکنون میکوشد در تطبیق آنچه یکسال پیش و حین سفرش به قندهار

گفته بود، سبقت جوید. "

راجع به پایان بخشیدن به مأموریت کانادا در افغانستان، "ستیفن هارپر" میگوید : "

" جهان اساساً به این منظور به افغانستان آمدند که این کشور به مهد هراس افگنی برای سراسر دنیا مبدل گردیده بود که حال آنچنان نیست. افغانستان، بیش از این به منافع ژئواستراتژیک جهان زیان نمی رساند

و دیگر منبع تروریسم هم بحساب نمیرود. "

" نهایتاً، نمیتوانیم از واقعیت های تاریخی بگذریم: پس از مرگ یکصد و پنجاه و هشت سربازکانادایی و مخارج بیشتر از ده میلیارد دالر، حالا کانادا فقط با پرداخت مبلغ یکصد و ده میلیون دالر در هر سال، آنهم پس از سال 2015میلادی، غرض آموزش بخش کوچکی از اردوی افغانستان اکتفا میکند."

" هارپر" امید و اراست پول تخصیصیه به درستی بمدارک اصلی اش بمصرف برسد. تاریخ بما می آموزاند که تنها یک صدای ضعیف از گذشته باقی خواهد ماند وبس. هارپر میدانست که در افغانستان هرگز به پیروزی نخواهد رسید. بنابراین، وی یک چیز بهتر را بر گزید: پایان تدریجی و نهایی کار."

یادداشت مترجم : مردم جنگ دیده و درد کشیده ی افغانستان، پس از سال 2001 میلادی و اشغال کشور شان توسط امریکا و متحدانش، بسیار زود درک کردند که نیروهای خارجی نه برای دو باره سازی افغانستان ، نه بخاطر سرکوب تروریسم جنایت بار و نه هم به منظور ایجاد نظام دموکراتیک و مردمی، با آنهمه ساز و برگ نظامی و استخباراتی شان جا خوش کرده اند. مردم افغانستان در جریان عمل کاملاً فهمیدند که افغانستان و سایر کشور های ضعیف جهان هرگز مورد توجه دلسوزانه ، خیرخواهانه و بشر دوستانه ی ابرقدرتها قرار نداشته و نخواهند داشت . مردم افغانستان با صراحت دیدند و شنیدند که امریکا و متحدان جهانی آن، تنها در صدد دست یابی به اهداف و منافع ملی و بین المللی خودشان هستند و بس. تجارب ده ساله ی مردم افغانستان و اندوخته های عملی آنها از حضور نیرو های خارجی در کشور شان بسیار تلخ ، آموزاننده و انتباه آمیز بوده و یکبار دیگر به این نتیجه ی منطقی رسیدند که فقط و فقط نیروی لایزال مردم افغانستان ، آگاهی سیاسی و وحدت برادرانه ی آنهاست که میتواند بقا و آزادی شان را تضمین کند و بس.

